

"وانیک" نمایشی شاعرانه

اِنیوآرِدونی • بازیگر

"وانیک" با تمام خشونت‌هایی که شخصیت‌های نمایش دارند به زعم من یک نمایش شاعرانه است. شعری در باب تنهایی آدم‌ها و چنگ زدن شان به هر دست‌آویزی برای ماندن روی آب. مدام تظاهر می‌کنند.لیخندمی‌زنند.قیقه‌همی‌زنندومثل ترجیع‌بندشعرعجز خود را تکرار می‌کنند ووانیک مثل هر روشنفکر صالح طلبی آنها را می‌شود و صلیب تنهایی آنها را در خود به دوش می‌کشد.برای هر بازیگر زنی ایفای نقشی مثل ورا در ایبژود کنشایش می‌تواند وسوسه برانگیز باشد. زنی با لایه‌های شخصیته عجیب و غریب که گاهی اورا دیوانه جلوه می‌دهد. سال‌ها شوق بازی دوباره این نقش رو در دل داشتیم با خود فکر می‌کردم که با تجربه این سال‌ها می‌توانم این بار دین خود را به این نقش کلل تر ادا کنم. اولین تجربه کارگردانی من «نمایش اسپانیایی» بهانه‌ای برای دیدار دوباره سهراب سلیمی شد. در میان گذاشتن این شور باو که سال‌ها از کارگردانی خودخواست‌ه کناره گرفته بود. این اتفاق بی‌لطف سهراب سلیمی زاینن که با محبت بی‌دریغ و انعطاف‌پذیری هوشمندانه‌امکان رسیدن بازیگران را به نقش در کمال آرامش مهیا کرد، میسر نمی‌شد. این نقش بازی شاعرانه در کنار دو دوست سالیام رضا مولایی و احمد ساعتچیان که بسیاری از آنها آموختم بی‌شک یکی از شیرین‌ترین اتفاقات قصه کاری‌ام خواهد بود.

میتز خنر

پاسخ ظریف درباره سفر هنرمندان خارجی

مسئولیت همه با ما نیست

محمد جواد ظریف درباره مشکلات حضور برخی از میهمانان خارجی به ویژه هنرمندان در ایران بیان کرد که وزارت امور خارجه مسئولیت همه میهمانان خارجی در ایران را ندارد. محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به مهر درباره گلایه برخی هنرمندان که می‌گویند برای دعوت و ورود هنرمندان خارجی به ایران با مشکل مواجه می‌شوند،گفت: وزارت امور خارجه مسئولیت همه میهمانان خارجی در ایران را ندارد.وی در ادامه با استقبال از حضور این میهمانان خارجی در ایران بیان کرد: ما در حوزه‌های کوچکی مسئولیت داریم و البته باقی میهمانان خارجی هم که به ایران تشریف می‌آورند، خیلی خوشحال می‌شویم. وزیر امور خارجه در پایان با اشاره به تأثیر حضور میهمانان خارجی به‌ویژه هنرمندان در کشورمان اظهار کرد: ما امیدواریم حضور این میهمانان در ایران باعث شود که بیشتر با فرهنگ و هنر ما و با مردم ایران آشنا شوند و متوجه شوند که چگونه باید با این مردم برخورد کرد.

خرید مدرک، مقاله، پایان نامه

و رواج بی سوادی!

غلامحسین صدیقیافشار می‌گوید: در جامعه‌ای که دانشگاه‌ها تنها مدرک می‌گیریم و خریدن مقاله و پایان‌نامه رواج دارد، بی‌سوادی و اشتباه‌نویسی شیوع پیدا می‌کند. به گزارش ایسنا، این فرهنگ نویس پیشکسوت درباره اشتباه‌های رایج در زبان فارسی گفت: اشتباه‌ها در دو بخش نحوی و املایی انجام می‌شود که خطرناک‌ترین آن در بخش مکتوب است. زیرا این اشتباه‌ها ساختار زبان را تغییر می‌دهد او در ادامه متذکر شد: اشتباه نوشتن برخی حروف طبیعی است زیرا ما در زبان فارسی س، ص و ث را به یک شکل تلفظ می‌کنیم، اما چون رسم‌الخط مان عربی است، امکان اشتباه وجود دارد. در زبان عربی هر کدام مخرج بیان خود را دارند پس امکان اشتباه نوشتن کم می‌شود. صدیقیافشار سرعت عصر ارتباطات را یکی از دلایل رواج اشتباه‌ها دانست و بیان کرد: وقتی یک فرد تمام «ها،س» را یک جور تلفظ می‌کند زمان نوشتن نامه یا پیامک نمی‌تواند این موضوع را رعایت کند. درواقع سرعت ارتباطات الزام درست نوشتن را از او می‌گیرد. بخش دیگری از این تغییرات نیز توسط خود زبان‌نویسان انجام شده است. مثلاً الف مقصوره - ی همراه با الف کوتاه - توسط فرهنگستان زبان حذف شده است و در این حالت حتی، صفری و کبری را به صورت حنا، صفرا و کبر می‌نویسیم. او درباره راه حل این مشکل اظهار کرد: در حقیقت فرهنگستان زبان مسئول تغییرات زبان است و باید دستورالعملی برای راهنمایی ارائه کند تا رسم‌الخط و نحو درست زبان را به مردم بشناساند، تا طبق آن عمل شود. البته فرهنگستان اقدام‌های صحیحی در این راه انجام داده است. در طول تاریخ این چنین بوده که هر کار دولتی در جامعه با واکنش روبه‌رو می‌شود؛ الزام همیشه واکنش‌ها نسبت به تغییرات مثبت نبوده و گاهی واکنش منفی نیز دیده می‌شود. حتی در مورد کارهای مثبت فرهنگستان مثل ساختن معادل کلمات خارجی نیز گاهی واکنش مردم منطقی و مثبت نبوده است. مشکلات زبانی با یک یا دو بار درست نوشتن یک یا دو روزنامه حل نمی‌شود و باید به طور مداوم پیگیری شود. به عنوان مثال همه رسانه‌ها فرهنگنامه‌ای در دست داشته باشند تا بتوانند نوشته‌های خود را براساس آن ویرایش کنند. این پژوهشگر در ادامه متذکر شد: ما در رسانه‌ها فرصت کافی وجود ندارد به همین دلیل بسیاری از مطبوعات هر چه را به دست‌نشان می‌رسد چاپ می‌کنند. صداسوسیمیا نیز گفت:راه‌های ر ویرایش نمی‌کند و همان‌طور که هر فرد حرف زده آن را پخش می‌کنند. تمام این صحبت‌ها و نوشته‌ها برای مردم الگو می‌شود و از آن تقلید می‌کنند، به طوری که هر ضرب‌المثلی در صداسوسیمیا به سرعت در سطح جامعه شنیده می‌شود. برای حل این مشکلات راهی جز تصمیم جمعی ملت برای صیلت از زبان وجود ندارد. صدیقیافشار با بیان اینکه گاهی اوقات خود فرهنگستان هم نمی‌تواند پشت دستورالعمل‌هایش بایستد، بیان کرد: برخی از دستوراتالعمل‌های فرهنگستان تصاد دارند به همین علت گاهی رعایت‌شان غیرممکن است. در تلویزیون مثل همه جامعه بی‌سوادی وجود دارد. در مورد ضرب‌المثل‌ها باید از کتاب‌های ضرب‌المثل و زیانزد استفاده شود. در کتاب‌های فرهنگ و زیانزد به درستی هر عبارت مورد بررسی قرار گرفته و حتی مورد مصرف و توضیح مربوط به آن آمده است. او درباره مشکلات نحوی در زبان نیز گفت: مهم‌ترین مشکل در بحث نحوی این است که در زمان خودش آن راه درستی یاد نگرفتیم. بی‌سوادی، کم‌توجهی و اهمیت ندادن به زبان مهم‌ترین مشکلات این بخش است. زمانی که دکتری ادبیات درست نوشتن را بلد نیست و امکان خرید تز دکتری از جلو دانشگاهی وجود دارد، از مردم عادی چه توقعی می‌توان داشت؟ این فرهنگ‌نویس همچنین درباره تأثیر شبکه‌های اجتماعی بیان کرد: افراد حاضر در شبکه‌های اجتماعی از مردم همین جامعه هستند و از جای دیگر نیامده‌اند. جامعه‌ای که بی‌سواد باشد افراد شبکه‌های اجتماعی‌اش هم بی‌سوادی می‌شوند. جامعه بی‌سواد است. درواقع فرهنگ‌گشا تنها مدرک می‌گیریم. از سویی خریدن مقاله، تز و مدرک در همه شهرها وجود دارد. حرکت تأثیرگذار برای رفع این مشکل خیلی کم انجام شده است. تنها فرهنگستان زبان کتاب‌هایی منتشر کرده که به توضیح نحوه کاربرد درست زبان و نوشتن می‌پردازد. او در پایان گفت: وقتی دستور زبان فارسی در مدرسه‌ها، وزارت‌خانه‌ها، صداسوسیمیا، نامه‌های اداری و نامه‌های قانونی به درستی به کار نرود، می‌شود گفت که دستور زبان «سنگ روی یخ» می‌شود. تنها راه حل این مشکل، تصمیم‌گیری جمعی توسط دولت، مردم، مقام‌های فرهنگی و قانون‌گذار است. درواقع همه باید بندهایم، عمل کنیم. زمانی که فرهنگستان زبان تاسیس شده و به آن بودجه داده می‌شود، باید از نتیجه کار آن نیز حمایت شود.

حسن زاهدی صدربدار با سابقه سینمای ایران در آستانه روز ملی سینما گفت: تنها در خواست من از مسئولین سینمایی و دولت

یازدهم در این روز بزرگ ،داشتن امنیت شغلی است. این صدربدار با سابقه سینمای ایران در آستانه ۲۱ شهریور روز سینما در گفتگو با سینماپرس با اشاره به ضرورت رسیدگی به وضعیت اهالی سینما یادآور شد: متأسفانه اهالی سینما نه امنیت شغلی دارند و نه مسکن و معیشتی که بتوان با افتخار از آنها یاد کنند.وی ادامه داد: هنرمندان بزرگی در سینما کار می‌کنند که هنوز بعد از گذشت سال‌ها کار کردن در سینما اجاره نشین هستند که باید مسئولین به فکر این افراد باشند و بخشی از بودجه‌های بالایی که در سینما خرج می‌شود را به کمک به امراز معاش سینماگران اختصاص دهند. این سینماگر مطرح کشورمان گفت: بنده با این همه سال سابقه حرفه‌ای در سینما نزدیک شش ماه است که بیکارم؛ اگرچه بسه‌روش‌های مختلف از پس خرج زندگی بر می‌آیم اما خیر دارم که صدربداران بزرگتر از من در سینما هستند که در پی همین بیکاری‌ها از پس اجاره‌خانه و خرج ماهیانه خود بر نمی‌آیند.زاهدی تصریح کرد: مدیران سینمایی باید متوجه باشند



«آقا و خانم سنگی»، «تنهایی لیلا» و ادامه ماجرای ضدیت با واقعیت

داستان ناامیدکننده سریال‌های تلویزیون

از تلویزیون ایران، به صورت طبیعی ببینده سریالی می‌شوند، در چندین مورد در ماه‌های اخیر، این بار هم با مورد عجیبی روبرو شده‌اند که آنها را یک گام دیگر به سمت ناامیدی از تلویزیون و رفتن به سمت امکان‌های دیگر می‌برد. در یک اتفاق تاریخی، پیش از «آقا و خانم سنگی»؛ سریالی دیگر به نام «تنهایی لیلا» از تلویزیون به نمایش درآمد که با وجود یک آغاز اندکی امیدوارکننده، نهایتاً در ادامه سریال به همین ورطه ضد واقعیت افتاد. پیش از این سریال نیز «شمعدونی» محصول جدید فروش صحت؛ که بار فاجعه‌میزتری داشت. تلاش ویژه سریال‌سازان تلویزیون در ضدیت با واقعیت، اما این بار به موردی ختم شده است که تحمل یک قسمت از آن هم به سختی میسر است. تیم جدید سیما و مدیریت ساخت «سریال‌ها» و «مجموعه‌های نمایشی»، تاکنون به جز دو نمونه «پایتخت ۴» ستاورد دیگری نداشته‌اند و مابقی سریال‌ها در وضعیت ناامیدکننده‌ای به سر می‌برد. دلیل معقول مشکلات مالی برای تلویزیون، پابرجاست، با این گروه‌های سیاسی کشنده؛ انتظار چندانی از تلویزیون نمی‌توان داشت، اما ظاهراً همین بوده‌اندک هم با عدم کارشناسی درست، در حال هدر رفتن است.

ورود به جهان هستی می‌گیرند و خانه عمه پر است از کودکانی که هنوز لذت زندگی را درک نکرده، به وادی مرگ رانده شده‌اند و از این رو به آرواح سرگردان و دلگتگی می‌مانند که می‌توان صدای قلبشان را شنید. انگار جریان زندگی که به طرز بی‌رحمانه‌ای در وجودشان متوقف شده، هنرمندان را در حال تپیدن است. پس اگر، یحیی سکوت نمی‌کند و راز غم‌انگیز عمه و خانمش را به غریبه‌ها می‌گوید، برای این است که او به پیامبری کوچک می‌ماند که بزرگترین رسالتی که بر قلبش گذاشته‌اند، حفظ شور زندگی در میان بشریتی است که روز به روز بیشتر به جنازه‌هایی زنده به‌گور شده شباهت می‌یابد. اما وقتی در پایان فیلم دوربین از یحیی تنها در میانه حیاط فاصله می‌گیرد و او را با نگاهی مبهوت و دردمندانه رها می‌کند، احساس می‌کنیم گاهی مرگ چیزی جز تنهایی هراسناک یک کودک بی‌پناه نیست. درواقع این مفاک تاریک و عمیق ناامیدی بشر چنان فراگیر شده است که حتی کودکی را که می‌خواست بشمارت‌دهنده زندگی و حیات در دنیای اطرافش باشد، به پیام‌آور مرگ و تباهی برای خود و دیگران تبدیل می‌کند و با چنین رویکردی است که فیلم به خاطر انتخاب یک کودک به عنوان راوی داستان تیره بختی آدمی، اثری تلخ‌تر و اندوه‌بارتر به نظر می‌رسد. تاگور راست می‌گفت که خدا هنوز امیدش را به انسان از دست نداده است، اما نمی‌دانست که این انسان است که مدت‌هاست از خود مأیوس و ناامید شده است.

کوتاه از هنر

اسکات کوپر:

مردم سینما نمی‌روند که واقعیت‌ها را ببینند

اسکات کوپر که در جشنواره فیلم تلوراید حضور یافته‌است از فیلم‌سازانی که در برابر حقیقت خود را آزاد می‌بینند، دفاع کرد. به گزارش مهر به نقل از گاردین، اسکات کوپر کارگردان در جشنواره تلوراید با دفاع از نسیی بودن بیان حقیقت در سینما برای مخاطبان گفت: مردم سینما نمی‌روند که با مسایل واقعی روبه‌رو شوند. این کارگردان که فیلم‌هایی چون «قلب دیوانه» و «خارج از کوره» را در کارنامه‌اش دارد در کنار جوئل ادگرتون بازیگر و کارگردان‌هایی چون خاویر جیناویی و نیکلاس سنا در میزگردی درباره چگونگی نمایش حقیقت از زندگی واقعی روی پرده سینما صحبت کرد. وی گفت: ممکن است من اشتباه کنم، اما مطمئن نیستم که سینما روها ببیند تا یک داستان واقعی را ببینند. فکر می‌کنم آنها می‌خواهند حقیقت روانشناختی، انسانیت و احساسات عمیق را ببینند. کوپر که با تریلر جدیدش «عشای ربانی سیاه» با بازی جانی دپ حسابی با اقبال روبه‌رو شده در این فیلم داستان ویدی پولگر یک خلافکار غیرمشهور بوستونی را روی پرده برده است. او ادعا کرد هنگام ساخت فیلم از بیان حقیقت گریزان بوده است. وی گفت: مسا در برابر برخی از فصل‌های تاریخی که می‌توانست روایت‌مان را بهتر کند آزادی عمل به خرج دادیم، اما آنچه من می‌خواستم به دست اوسم حرم این مردان و زخم عاطفی که آنها به شهر زنده بود. من احساس مسئولیت می‌کردم که حق داستان را ادا کنم. او در این باره نیز صحبت کرد که آرزویش این بود تا به تصویر کشیدن خشونت را بدون تمایلی به شخصیت خود پولگر که جانی دپ نقشش را بازی کرده است، بیان کند. وی گفت: آنچه در خط مقدم ذهن من جای گرفته بود، تصویر قربانیان و خانواده‌هایشان بود. در این نشست جوئل ادگرتون نیز حضور داشت که در فیلم در نقش مامور اف‌بی‌آی ظاهر شده است. او درباره نقشی که ایفا کرده است، گفت: شبیه شکار استخوان‌های یک دایناسور است. انگار یک مقدار معینی از آنها را به دست آورده‌ای و بعد احساس می‌کنی باید آن را با چیزی بز کنی و شکل دهی تا با آن به قصه برسی. اگر مسئولیت زیاده از حد برای به تصویر کشیدن دقیق شخصیت داشته باشی، آن وقت کار شبیه یک ماموریت احمقانه از آب درمی‌آید. ادگرتون که برای بازی، نویسندگی و کارگردانی تریلر «هدیه» با تحسین زیادی روبه‌رو شده است درباره بازی هلن میرن در نقش ملکه که اسکار را برایش در ارمغان آورده هم صحبت کرد و از آن به عنوان یک نمونه مهم نمایشی یاد کرد. وی گفت: در آن نمایش او تقریباً یک ملکه جدید بود و البته یک نوع خویش هم بود. بازیگر بودن و گفتن داستان یک شخصیت واقعی به این معنی است که جنبه‌هایی از شخصی

را بیان کنی که هرگز به آن دسترسی نداشته‌ی. برای مثال، ملکه یک شخصیت خیلی مردمی است و شما نمی‌دانید او در جاهای خصوصی چه جور رفتار می‌کند. ادگرتون درباره اهمیت فیلمنامه هم حرف زد و اینکه چقدر خطرناک می‌شود اگر زندگی در فیلمنامه به چالش کشیده نشود.

حسن زاهدی: شش ماه است که بیکارم!



«آقا و خانم سنگی»، «تنهایی لیلا» و ادامه ماجرای ضدیت با واقعیت

داستان ناامیدکننده سریال‌های تلویزیون

بعد از پخش یک سریال ناامیدکننده به نام «تنهایی لیلا»، حالا نوبت به پخش سریالی بی‌مق‌تر و عجیبی به نام «آقا و خانم سنگی» رسیده است. پخش مجموعه‌های نمایشی از تلویزیون به رکود تاسف برانگیزی رسیده است. به گزارش تسنیم، آغاز پخش سریالی به نام «آقا و خانم سنگی» از شبکه سوم سیما، با تعجب و حیرت همه کسانی مواجه شد که به انتظار سریالی جدید تلویزیون ایران نشسته بودند. با پخش قسمت‌های ابتدایی سریال جدید شاهد احمدلو، مشخص شد که همچنان فاصله ذهنیت سازندگان سریال‌های تلویزیونی، با آنچه در آذهان ایرانی‌های دهه ۹۰ می‌گذرد، روز به روز در حال افت‌زون تر شدن است. «آقا و خانم سنگی» سریالی عجیب در فضای پچه‌گانه است که در آن آدم‌های سرگردان، دیالوگ‌های بی‌سروته، بی‌معنی و غیرواقعی ادا می‌کنند و اتفاقاتی غیرمنطقی، بیهوده و عجیب در آن رخ می‌دهد. سریالی که نشان می‌دهد فاصله آنچه قرار است در تلویزیون به عنوان بازنمایی واقعیت آدم‌ها و جامعه فعلی‌مان ببینیم با آنچه در سنگ فرش خیابان‌ها و سرامیکی خانه‌های ایرانی‌ها می‌گذرد، فرسنگ‌ها فاصله است و فکر کردن برای یافتن پاسخ «چرایی» ساخت این سریال، و تلاش

برای نقد این سریال نهایتاً به سردرد منتهی خواهد شد. مشتریان پروپا قرص سریال‌های تلویزیونی، همه آنهایی که به مجرد پخش یک سریال

نکاهی به فیلم «یحیی سکوت نکرد»

آه از داستان ناامیدی انسان...



پسرک از دست‌رفته‌اش را که در تمام این سال‌ها پناه اشک‌های او بوده است، به مکان بازی یحیی تبدیل می‌کند تا از او جانشینی برای فقدان پرشندهی زندگی بسازد و زندگی تازه‌ای را آغاز کند. اما یحیی در دورانی زندگی می‌کند که آندها چنان از حیات رنج بار خود احساس ملال و دل‌زدگی می‌کنند که به طرز اندوه‌باری حق زیستن را از کودکان شان در نیمه راه

منوچهر هادی: تئاتر سرشار از لحظه‌های خوشایند است



این روزها فرهنگسرای نیاوران از اول شهریورماه میزبان نمایش "مرده‌های بی کفن و دفن" یکی از آثار معروف ژان پل سارتر به کارگردانی منوچهر هادی نویسنده و کارگردان سینما و تلویزیون است. هادی در رابطه با روند شکل‌گیری این نمایش به عنوان نخستین تجربه خود در زمینه کارگردانی تئاتر و انتخاب چنین متنی به هنرانگاری گفت: از آنجا که من به عنوان یک تماشاگر حرفه‌ای همیشه تئاترهای خوب را دنبال می‌کردم و به تبع آن به کار کردن در این حوزه هم علاقمند بودم و در میان نمایشنامه‌هایی که آنها را به قصد بررسی جهت اجرا مطالعه کردم به نمایش "خلوتگاه" که شامل سه نمایشنامه با عناوین "مگس‌ها"، "مردگان بی‌کفن و دفن" و "خلوتگاه" بود- رسیدم. از میان این نمایشنامه‌ها "مردگان بی‌کفن و دفن" هم به لحاظ فضای پر تعلیق و پر کشمشی که داشت و هم پر داخت خوب شخصیت‌ها برام جذاب بود و در نهایت تصمیم گرفتم این متن را برای اجرا انتخاب کنم. او در خصوص تجربه اولین حضور خود در عرصه کارگردانی تئاتر نیز گفت: بسیارعلاقمند بودم کار در حوزه تئاتر را هم تجربه کنم و اصولاً اگر کار کارگردانی هم نمی‌کردم حتماً بازیگر تئاتر می‌شدم. چون هنر نمایش سرشار از لحظه‌های خوشایند است که باید هم نفس با تماشاگر پیش رفت. اما از آنجایی که دغدغه بازیگری در من از بین رفته است ترجیح دادم که به کارگردانی تئاتر بپردازم. این کارگردان از کار در حوزه تئاتر به عنوان تجربه‌ای خوشایند یاد کرد و ادامه داد: اطمینان دارم که تجربه‌ای که در دل این کار کسب کردم در کارهای بعدی من در عرصه سینما و تلویزیون بسیار مفید خواهد بود و چنانچه شرایط فراهم باشد دوست دارم که کار در این حوزه را ادامه دهم. کارگردان نمایش "مردگان بی‌کفن و دفن" در رابطه با انتخاب بازیگران این نمایش نیز گفت: چون من از سینما و تلویزیون به عرصه تئاتر آمده‌ام بسیار دوست‌اشتم تر کسی از بازیگران سینما و تلویزیون و حرفه‌ای‌های تئاتر را گرد هم جمع کنم و بر همین اساس سعی کردم تا بتوانم تئاتر را با هم‌کاری می‌کنند اکثراً نیز به عنوان بازیگر در فیلم‌های من حضور داشته‌اند و همه این بازیگران کسانی هستند که من از توانایی‌ها و علاقه

آناهیتا اقبال‌نژاد: هنرمند نباید زیر بار هر اجرایی برود

آناهیتا اقبال‌نژاد که این روزها کم‌کارتر از گذشته شده، معتقد است هنرمند رسالت بزرگی بر دوش دارد و متن‌های پیشنهادی این روزها با روحیه‌اش سازگار نیست، از شه‌مندی‌ها در آثاری شرکت کند که دغدغه‌های اجتماعی‌اش را مطرح کنند. به گزارش ایران تئاتر، آناهیتا اقبال‌نژاد بازیگر و کارگردان تئاتر به اهمیت متن قوی و تأثیرگذار در تئاتر اشاره کرد و گفت: نقش نوشته شده در متن باید به گونه‌ای باشد که بازیگر با خواندن آن احساس کند اتفاقی در درونش ایجاد می‌شود و همچنین می‌تواند تأثیر قابل توجهی هم روی مخاطب داشته باشد. او تأکید کرد: تئاتر باید اثرگذار شود که باید یا نبود آن، تفاوتی در جهان ایجاد کند اما با کمال تأسف کارهایی که این روزها شاهدش هستیم دارای چنین رویکردی نیستند. اقبال‌نژاد در ادامه گفت: هنرمندان ما نباید تنها به این دلیل که در عرصه